

Analysis and Pathology of Article 286 of Islamic Punishment Law and it's Interpretive and Reformative Solutions

Jafar Nezamolmolki *  Ph. D in Private Law, Professor of
University and Attorney- law

Aim

Many articles have been written for analysis and disambiguation of Article 286 of Islamic Punishment Law; Nevertheless, based on lack of comprehensive analysis of ambiguities and defects and also lack of single study, consisting interpretative and implicative appropriate solution as to the ambiguities and reformative solutions for the defects, a new and comprehensive study is necessary; which in it, While avoiding repetitive content, by studying the jurisprudential and Quranic history of Ifsad fi al-Arth and considering the principles governing criminal law and the principles of Islamic criminal jurisprudence, as well as the executive aspects of the law, take action for the comprehensive and coherent analysis and pathology of ambiguity and defects in the article take action; In such a way that, the appropriate interpretative and effective solution for the existing

* Corresponding Author: jafarnezamolmolki@gmail.com

How to Cite: Nezamolmolki, N. (2024). Analysis and pathology of article 286 of Islamic Punishment Law and it's interpretive and reformative solutions. *Criminal Law Research*, 12 (46), 1 -34. 10.22054/jclr.2024.73464.2577

situation as to the ambiguities and appropriate model to amend the law in relation to the defects of the law will be presented.

Methodolgy

In this article, based on library collection method and descriptive-analytical approach, In the first place we analyze and determinate concept and scope of Ifsad fi al-Arth, while comparing it with concept of Moharebah; Then, Article 286 of Islamic Punishment Law has been analysed, considering different doctorine on it. For this purpose, after analyzing ambiguities of the article, we study it's defects. in the meantime we suggest effective and efficient solutions for the article, while interpreting and analyzing it .

Findings

Besides positive revolutions of article 286 of Islamic Punishment Law ,i.e independence of Ifsad fi al-Arth from Moharebah, limiting of Ifsad fi al-Arth to crimes with large effects, by determining special conditions for it, and ultimately public aspects of these crimes, ambiguity in concept and scope of Ifsad fi al-Arth compared with concept of Moharebah, relation of this article with The Law of Punishing Disruptors in the Economic System of the Country and it's relation with other acts, considering its note, are ambiguities of this article; Also, generalizing title of Ifsad fi al-Arth to committed crimes in different fields, the same punishment for accessory and Perpetration and absense of distinction between concept and scope of accessory and captaincy are defects of mentioned article.

Innovation

١-In respect of ambiguity at concept and scope of Ifsad fi al-Arth crimes, due to it's relation with Moharebah crime, it seems that conceptual relationship between Ifsad fi al-Arth and Moharebah is absolute generality and peculiarity.

۲ -In respect of ambiguity at relation of article 286 of Islamic Punishment Law with The Law of Punishing Disruptors in the Economic System of the Country, based on the revolutions, in relation major disruption crimes which are considered Ifsad fi al-Arth , article 286 is governed on The Law of Punishing Disruptors in the Economic System of the Country .

۳ -In respect of ambiguity at note of article 286 of Islamic Punishment Law and it's relationship with other penal codes, based on study of different status as to article 286, we prove that desired status, i.e conducts which are neither crimes in other penal codes nor Ifsad fi al-Arth criminalized in article 286, to be included in the note, are impossible and unjustifiable .

۴ -In respect of large scope of Ifsad fi al-Arth in article 286, which include crimes in different fields, as a defect, the best method for reforming the article is that to whether we consider it as a supplementary regulation, for definition without criminalizing, as to other penal codes, which criminalized Ifsad fi al-Arth but not defining it, or if legislator intend to criminalize Ifsad fi al-Arth, while abolishing all of the penal codes in this field, pass a comprehensive penal regulation on it .

۵ -In respect of the same punishment for accessory and captaincy and lack of conceptual and punishment distinction of them, interpretative solution is clearly in conflict with express provision of this article and cannot solve this obvious defects. So it is necessary to amend the law .

conclusion

Based on results of this research Ifsad fi al-Arth includes Moharebah and other crimes. Article 286 of Islamic Punishment Law governed to The Law of Punishing Disruptors in the Economic System of the Country and has considered some new characters and conditions for disruption in the Economic System of the Country. The assumption which note of article 286 is based on, i.e. some of criminal actions, which are neither a crime subject to other acts and nor Ifsad fi al-Arth

in this article, is neither justifiable nor desirable and in result the note is redundant. Modification of article 286 as a supplementary regulation for other instance of Ifsad fi al-Arth, or comprehensive regulation with abolishment of former regulations in this field and also it's modification as to considering different and suitable punishment for deputy of crime and perpetrator of it and finally distinction concept and scope of accessory and captaincy are necessary .

Keyword: Ifsad fi al-Arth, Analysis, pathology, defects, ambiguities





تحلیل و آسیب‌شناسی ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و راهکارهای تفسیری و اصلاحی آن

جعفر نظام‌الملکی *  دکترای حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه

چکیده

با وجود تحولات مثبت در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، ابهام در مفهوم و قلمروی افساد فی الارض در مقایسه با مفهوم محاربه، رابطه‌ی این ماده با قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور و رابطه‌ی آن با سایر قوانین، با توجه به تبصره‌ی آن، ابهامات ماده‌ی مذکور هستند؛ همچنین تسری عنوان افساد فی الارض به جرایم ارتكابی در حوزه‌های مختلف، مجازات واحد معاونت و مباشرت در جرم و عدم تمایز مفهوم و مجازات معاونت و سردستگی نیز نقائص ماده‌ی مذکور می‌باشند. بر مبنای نتایج تحقیق حاضر افساد فی الارض اعم از محاربه است. ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی بر قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور حکومت دارد. حالت مورد نظر در تبصره‌ی ماده‌ی ۲۸۶ نه توجیه‌پذیر و مطلوب بوده و نه ممکن است؛ لذا تبصره‌ی مذکور حشو است. اصلاح ماده‌ی ۲۸۶ به شکل مقرره‌ای تکمیلی برای سایر مصادیق جرائم افساد فی الارض، یا مقرره‌ای جامع با نسخ مقررات قبلی در این حوزه و همچنین اصلاح آن از منظر پیش‌بینی مجازات متفاوت و متناسب برای معاون و مباشر جرم و در نهایت تمایز مفهوم و مجازات معاونت از سردستگی ضروری است.

کلیدواژه‌ها: افساد فی الارض، تحلیل، آسیب‌شناسی، نقائص، ابهامات.

مقدمه

ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، با ساختار و محتوای کنونی، یکی از تحولات مهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است؛ بدین نحو که اهمیت جرائم مورد بحث در آن، یعنی جرائم افساد فی الارض، با توجه به سابقه‌ی فقهی و قرآنی آنها، و همچنین پیش‌بینی مجازات اعدام در این ماده، از همان ابتدای تصویب، مسائل و دغدغه‌های چندی را، از حوزه‌ی فقهی و تفسیری گرفته تا حوزه‌ی اجرایی و تعیین مجازات در آرای دادگاه‌ها، ایجاد نموده و تفسیر و اجرای آن را به چالشی جدی برای اساتید حقوق کیفری، وکلاء و قضات مبدل نموده است. بدین سبب ضروری است که ماده‌ی مذکور تحلیل و آسیب‌شناسی شود و پاسخ و یا راهکاری مطلوب نسبت به هریک از ابهامات و نقائص آن داده شود.

با وجود تدوین مقالات متعدد برای تحلیل و رفع ابهام از ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، عدم ورود جامع به تمامی ابهامات و نقائص مرتبط با این ماده و فقدان نوشتار واحد شامل ارئه‌ی راهکارهای تفسیری و اجرایی مطلوب نسبت به ابهامات و نقائص آن، نویسندگان را بر آن داشت تا ضمن پرهیز از مطالب تکراری، با تدقیق در سابقه‌ی فقهی و قرآنی افساد فی الارض و با لحاظ اصول حاکم بر حقوق کیفری و اصول فقه جزایی اسلام و همچنین ابعاد اجرایی قانون، نسبت به تحلیل و آسیب‌شناسی جامع و منسجم موارد ابهام و نقص ماده‌ی مذکور اقدام نماید، به گونه‌ای که در ارتباط با ابهامات، راهکار تفسیری و اجرایی مطلوب برای وضع موجود و در ارتباط با نقائص الگوی متناسب برای اصلاح قانون ارائه گردد.

مقاله‌ی حاضر درصدد است به تحلیل و آسیب‌شناسی جامع ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و ارئه‌ی راهکارهای متناسب در این زمینه بپردازد؛ در این راستا پس از شناسایی تحولات مثبت، ابهامات و نقائص آن، به تحلیل و آسیب‌شناسی هریک از ابهامات ماده‌ی مذکور و راهکارهای تفسیری و اجرایی مرتبط و در نهایت تحلیل و آسیب‌شناسی نقائص آن و راهکارهای اصلاحی در این زمینه خواهیم پرداخت.

۱. شناسایی تحولات مثبت، ابهامات و نقائص ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ باب هفتم کتاب «حدود»، مواد ۱۸۳ تا ۱۹۶، به «محاربه و افساد فی الارض» اختصاص یافته بود؛ در ماده‌ی ۱۸۳ قانون مذکور تعریف این دو اصطلاح به شرح ذیل آمده بود: «هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض می‌باشد». این چنین از تعریف فوق و سایر مواد باب مذکور، که در عمده‌ی آنها اصطلاحات «محارب» و «افساد فی الارض» در کنار یکدیگر و به صورت مترادف دارای احکام و شرایط یکسان قرار گرفته بودند، به وضوح برمی‌آمد که سیاست تقنینی مقنن ایرانی قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید، علاوه بر تلقی ماهیت این جرایم، بعنوان جرایم حدی، یکسان انگاشتن دو اصطلاح «محاربه» و «افساد فی الارض» بود. در مقابل در قانون مجازات اسلامی جدید در ماده‌ی ۲۸۶ رویکردی متفاوت اتخاذ گردیده است. ماده‌ی مذکور مقرر می‌دارد: «هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه‌ی فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد. تبصره- هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه‌ی فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود».

این چنین با وضع این ماده، بعنوان ماده‌ای مستقل، برای افساد فی الارض، پس از مواد قانونی مرتبط با محاربه و در فصل بعدی از کتاب حدود (فصل نهم)، عملاً با تفکیک عنوان و مواد قانونی، این دو مفهوم از یکدیگر تفکیک گردیده اند. همچنین مقنن برخی

قیود را برای تحقق افساد فی الارض ضروری دانسته و متعاقباً جرایم مصداق افساد فی الارض، را از این منظر و در مقام نحوه و شرایط تحقق جرم، محدود نموده است. در مجموع از تأمل در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و توضیحات ارائه شده تحولات چندی قابل استنباط است، که اگر چه برخی از آنها مثبت و مطلوب است، ولی برخی از آنها مبهم و یا مورد انتقاد بوده و نیازمند آسیب شناسی است.

تحولات مثبت ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی جدید، از یک سو مستقل دانستن افساد فی الارض از محاربه می‌باشد، و از سوی دیگر محدود نمودن تحقق افساد فی الارض به قید گسترده بودن آثار جرم بر مبنای تحقق یکی از قیود ذیل است:

≠ ایجاد اخلال شدید در نظم عمومی کشور؛

≠ سبب ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی شدن؛

≠ سبب اشاعه‌ی فساد یا فحشا در حد وسیع شدن.

همچنین تحول مثبت دیگر این ماده‌ی قانونی آن است که تمامی موارد، حتی موارد ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد، جرایم افساد فی الارض دارای جنبه‌ی عمومی هستند؛ این امر از یک سو از قید «فی الارض»، که دلالت بر تأثیرپذیری فضای عمومی و اجتماعی از جرم دارد و از سوی دیگر، از قیود و عبارات «به طور گسترده»، «ایراد خسارات عمده» و «در حد وسیع» در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی برمی‌آید (سمیعی زنوز و حبیب‌زاده و صابر، ۱۳۹۵: ۳۸).

در مقابل، در حال حاضر ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی دارای برخی ابهامات می‌باشد؛ مهمترین این ابهامات، ابهام در مفهوم و قلمرو افساد فی الارض در مقایسه با مفهوم محاربه می‌باشد؛ زیرا صرف تفکیک افساد فی الارض از محاربه موجب رفع ابهام از مفهوم و قلمرو افساد فی الارض نشده و ماده به گونه‌ای تدوین نیافته که این ابهام را مرتفع نماید؛ تا حدی که در ارتباط با این ماده گفته شده است: «رویکرد قانون مجازات اسلامی، چیزی جز استعمال گسترده‌ی عنوانی مبهم و مشکوک با عباراتی قابل تفسیر نیست و خطرهای بالقوه‌ی گسترده‌ای را علیه جامعه‌ی اسلامی و شهروندان آن ایجاد خواهد کرد» (برهانی، ۱۳۹۴: ۱۹). همچنین نسبت و رابطه‌ی ماده با قانون مجازات اخلا لگران در نظام

اقتصادی کشور و در نهایت نسبت و رابطه این ماده‌ی قانونی با سایر مقررات، بر مبنای جرم‌انگاری عام صورت گرفته در تبصره‌ی آن، سایر موارد مبهم این ماده هستند. تسری عنوان افساد فی الارض به جرایم ارتكابی در حوزه‌های مختلف، یعنی تمامیت جسمانی افراد، امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلاف در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک و دایر کردن مراکز فساد و فحشاء و همچنین وضع مجازات واحد برای معاونت و مباشرت در جرم و عدم تمایز مفهوم و مجازات معاونت و سردهستگی نیز نقائصی هستند که در این قانون به وضوح دیده می‌شوند و باید تحلیل و آسیب‌شناسی شوند.

۲. تحلیل و آسیب‌شناسی ابهامات ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی

۲-۱. ابهام در مفهوم و قلمرو جرائم افساد فی الارض از منظر رابطه‌ی آنها

با جرم محاربه

افساد در لغت برگرفته از ریشه‌ی فسد و مصدر باب افعال و دارای معنای متعددی است. بنابراین، معنای اولیه‌ی آن را باید در مصدر فساد بررسی نمود. فساد در لغت به معنای تباهی (قرشی بنابی، ۱۳۷۱/۷: ۱۷۵) و همچنین هرگونه خروج شیء، بدن و نفس انسانی از مسیر اعتدال بوده، که در مقابل اصطلاح «صلاح» بکار رفته است (راغب، ۱۴۱۲/۱: ۶۳۶ و ابن منظور، ۱۴۱۴/۳: ۳۳۵). بنابراین، بر مبنای مفهوم فساد، افساد را باید هرگونه اقدام زمینه‌ساز ایجاد تباهی یا خروج شیء، بدن و نفس انسانی از مسیر اعتدال دانست. «فی الارض» مفهوم و اصطلاحی است که قلمرو تحقق عمل افساد را بیان می‌دارد؛ به عبارت دیگر «تقیید افساد به قید «فی الارض» برای دلالت بر این معناست که (...) آن حالت اصلاح و سامانی که در زمین است تباه می‌شود. پس (...) زمین از آن جهت که مکان زندگی و محل استقرار انسان است، مراد می‌باشد» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۶: ۱۸۰-۱۸۱). بنابراین، منظور از قید «فی الارض» اثر عمومی و اجتماعی اقدام مفسدانه است؛ لذا مواردی که فساد شخصی در حریم خصوصی رخ دهد خارج از شمول مفهوم افساد فی الارض خواهد بود.

رابطه‌ی افساد فی الارض با محاربه، بر مبنای سابقه‌ی قرآنی و فقهی آن، بویژه دیدگاه‌های مختلف در تفسیر آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده، موضوع اختلاف نظر بزرگ فقیهان

و اساتید حقوق کیفری می‌باشد؛ به طور کلی سه دیدگاه در این زمینه مطرح است: ۱. تساوی؛ ۲. عموم و خصوص من وجه؛ ۳. عموم و خصوص مطلق (شریف‌زاد و حبیب‌زاده، ۱۴۰۱: ۲۰ و باقری، ۱۳۹۸: ۳۴-۲۹). آیه‌ی مذکور بیان می‌دارد: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ». «کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، (و به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند) فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، به عکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوائی آنها در دنیا است؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند» (مکارم شیرازی، ترجمه‌ی آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده). برخی همچون قطب راوندی در فقه القرآن آیه را ناظر بر محارب دانسته و قید «و يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» را ناظر بر اجزای مورد نظر در محارب، یعنی بیرون کشیدن سلاح (اشهار السیف) و ایجاد ترس در راه (اخافه السبیل) می‌دانند؛ نه آنکه متضمن معنا و رکن مستقلی برای تحقق محاربه باشد (قطب راوندی، ۱۴۰۵/۱: ۳۶۵ و ۳۶۶)؛ محقق اردبیلی نیز با ارائه‌ی تفسیری مشابه مفهوم یکسانی از محاربه و افساد فی الارض ارائه می‌دهد و بیان می‌دارد: «و يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» کأنه بیان لتحقيق معنی المحاربة، و تأكيد لثبوت حقيقته (محقق اردبیلی، بی‌تا: ۶۶۵). عبارت «در زمین فساد می‌نمایند» برای بیان معنای محاربه است و بر حقیقت محاربه تأکید می‌نماید. در این دیدگاه برای تحقق محاربه تحقق دو رکن ضروری است: ۱. بیرون کشیدن سلاح؛ ۲. ایجاد ترس در راه.

در اینجا، «افساد فی الارض» دلالت بر محاربه با دو رکن فوق داشته و با آن یکسان است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مطابق آنچه در مواد ۱۸۳ تا ۱۸۹ ذیل عنوان «محاربه و افساد فی الارض» آمده بود، این دیدگاه مورد پذیرش مقنن واقع گردیده بود

(میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۶۲)؛ در رویه‌ی قضایی نیز این دیدگاه در بسیاری از موارد اعمال می‌گردید.^۱

برخی از مفسرین دیگر همچون طبرسی در مجمع البیان و فاضل مقداد در کنز العرفان فی فقه القرآن در تفسیر آیه‌ی ۳۳ مذکور، اگرچه در مقام تعریف روایی فقهی از محارب (طبرسی، ۱۳۷۲/۳: ۲۹۱ و فاضل مقداد، ۱۳۷۳/۲: ۳۵۱) محارب را ناظر بر همین دو رکن دانسته‌اند، اما ایشان قید فساداً را رکنی مستقل می‌دانند، نه داخل در ماهیت محاربه (طبرسی، ۱۳۷۲/۳: ۲۹۱ و فاضل مقداد، ۱۳۷۳/۲: ۳۵۲). بنابراین، در این دیدگاه علاوه بر بیرون کشیدن سلاح و ایجاد ترس در راه، اراده‌ی فساد در سطح عمومی نیز برای اعمال مجازات‌های مذکور در آیه ضروری است. علامه طباطبایی با بیانی متفاوت به نوعی همین دیدگاه را در تفسیر آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده دارند؛ بدین نحو که ایشان پس از آنکه در اینجا فساد را مصدری می‌داند که به جای حال بکار رفته است، مفهوم عبارت «و یسعون فی الارض فساداً» را چنین می‌داند که: «و آن افساد فی الارض از طریق اخلال در امنیت و راهزنی است بدون آنکه محاربه با مسلمانان به صورت مطلق مورد نظر باشد» (طباطبایی، ۱۳۹۰/۵: ۳۲۶)؛ و در نهایت بیان می‌دارد: «بنابراین مقصود از محاربه و افساد بر مبنای آنچه از ظاهر آیه برمی‌آید اخلال در امنیت عمومی است؛ و امنیت عمومی با ایجاد ترس در عموم و جابجایی آن با امنیت اخلال می‌یابد؛ و این امر بر مبنای عرف و طبع موضوع رخ نمی‌دهد، مگر با استفاده از سلاحی که اشخاص را به قتل تهدید می‌نماید، و بر مبنای همین امر در سنت در تفسیر فساد فی الارض از آشکار ساختن شمشیر و مانند آن سخن به میان آمده است» (طباطبایی، ۱۳۹۰/۵: ۳۲۷).

در میان فقهاء صاحب جواهر الکلام را باید از پیروان این دیدگاه دانست؛ ایشان «محارب» را چنین تعریف نموده است: «محارب هر کسی است که سلاح را برای ترس مردم ولو آنکه فرد واحد باشد، به گونه‌ای که اراده‌ی فساد در زمین در آن محقق گردد، بیرون کشد یا با خود حمل نماید» (نجفی، ۱۳۶۲/۴۱: ۵۶۴).

۱. به طور مثال در دادنامه‌ی شعبه‌ی اول دادگاه انقلاب اسلامی سندج مورخ ۱۳۸۸/۶/۱۲ که طی دادنامه‌ی شماره‌ی ۸۹۰،۰۲۳۱ مورخ ۱۳۸۹/۰۵/۰۹ شعبه‌ی ۳۱ دیوان عالی کشور تأیید و ابرام گردیده محاربه و افساد فی الارض همسان دانسته شده است (شریف‌زاد و حبیب‌زاده، ۱۴۰۱: ۲۲ و ۲۳).

امام خمینی (ره) از دیگر فقیهانی است که قائل بر شرطیت اراده‌ی فساد در محاربه بوده و بیان می‌دارد: «محارب کسی است که سلاحش را برای ترساندن مردم، و به منظور ایجاد فساد در زمین، بیرون کشد یا تجهیز نماید، اعم از آنکه در خشکی باشد یا دریا، در شهر باشد یا خارج از آن، شب باشد یا روز» (خمینی، ۱۳۹۲/۲: ۵۲۶). مطابق این دیدگاه قصد و اراده‌ی افساد فی الارض نیز رکنی ضروری برای تحقق محاربه است.

تا اینجا عملاً فرضی که محاربه رخ دهد، ولی افساد فی الارض صورت نگیرد متصور نیست؛ ولی اینکه مصادیقی از افساد فی الارض وجود داشته باشد که در قالب محاربه رخ ندهد نه تنها با این دیدگاه و تفسیر پیروان آن منافاتی ندارد، بلکه برخی پیروان آن صراحتاً بر آن تأکید نموده‌اند؛ چنانکه امام خمینی (ره) معتقدند: «محارب و مفسد دو موضوع است و تشخیص آن با محاکم صالحه است» (گنجینه‌ی آرای فقهی - قضایی: کد سؤال ۱۰۹۸۵) و به بیان سایر مصادیق افساد فی الارض و حکم شرعی آنها پرداخته‌اند؛ به طور مثال در زمینه‌ی قاچاق مواد مخدر بعنوان یکی از مصادیق افساد فی الارض بیان داشته‌اند: «افساد در صورتی است که مواد مخدر پخش شود به طوری که موجب ابتلای بسیاری شود یا به قصد این عمل یا با علم به این اثر» (گنجینه‌ی آرای فقهی - قضایی: کد سؤال ۱۱۳۰). لذا به نظر می‌رسد ترجیح دارد که رابطه‌ی منطقی محاربه و افساد فی الارض را طبق این دیدگاه عموم و خصوص مطلق بدانیم.

دیدگاه دیگری که در فقه و حقوق مطرح می‌باشد این است که محاربه و افساد فی الارض دو جرم مستقل بوده، که هر یک در برخی مصادیق با دیگری اشتراک داشته، ولی در برخی موارد جرم مستقل و متمایز هستند؛ لذا رابطه‌ی منطقی حاکم بین این دو مفهوم، عموم و خصوص من وجه می‌باشد. این دیدگاه که توسط برخی اساتید حقوق کیفری مورد پذیرش واقع گردیده (گلدوزیان و احمدزاده، ۱۳۸۸: ۲۶۰)، در میان فقهاء معاصر طرفداران شاخصی دارد. آیت الله هاشمی شاهرودی پس از رد رابطه‌ی تساوی و مترادف محاربه و افساد فی الارض، بر مبنای آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده، بر اساس تفسیر لفظی و منطقی و جامع از آیه‌ی مذکور، رابطه‌ی منطقی عموم و خصوص مطلق بین این دو را نیز رد می‌نماید، با این بیان که: «چنین مبنایی را نمی‌توان پذیرفت، و دلیل نپذیرفتن آن همان است که پیش از این گفته شد که هر معصیتی، افساد در زمین نیست همچنانکه هر محاربه‌ای،

سعی در افساد در زمین به شمار نمی‌آید (...) جمله‌ی دوم «و یسعون فی الارض فساداً» مقید و مخصّص محاربه است، به محاربه‌ای که برای ایجاد فساد در زمین باشد و بر این اساس، جنگ کافران و باغیان از مفهوم محاربه خارج خواهد شد (هاشمی شاهرودی، پیشین: ۱۹۴ و ۱۹۵). در نهایت ایشان با تفسیر خویش از آیه‌ی شریفه اتخاذ رابطه‌ی منطقی عموم و خصوص من وجه بین این دو را بیان و اذعان می‌نماید، بدین نحو که: «احتمال سوّم آن بود که هر دو عنوان مذکور با هم - چنانکه مقتضای او عطف است - موضوع حکم و آیه‌ی محاربه هستند. اما در عین حال مراد از این احتمال آن نیست که برای تحقّق موضوع آیه، وقوع دو عمل و صدور دو جرم در خارج شرط است، یکی محاربه با خدا و پیامبر و دیگری سعی در ایجاد فساد در زمین. بلکه موضوع آیه یک عمل است که مصداق هر دو عنوان مذکور می‌باشد (همان: ۱۹۵).

آیت الله مکارم شیرازی نیز صراحتاً رابطه‌ی این دو را عموم و خصوص من وجه می‌داند؛ ایشان در پاسخ سؤالی که در ارتباط با رویه‌ی قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در مترادف دانستن این دو مطرح شده، صراحتاً نسبت منطقی بین این دو مفهوم را ذکر می‌نماید: «این دو با یکدیگر تفاوت دارد و مترادف نیست؛ بلکه میان آنها نسبت عموم من وجه است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷/۲: ۴۹۹).

در مجموع به نظر می‌رسد نسبت بین محاربه و افساد فی الارض را باید عموم و خصوص مطلق دانست. چراکه با توجه به ادبیات و منابع فقه جزایی و حقوق کیفری تصوّر اینکه محاربه بدون تحقّق افساد فی الارض محقّق شود دشوار است؛ زیرا بنا به اذعان تمامی فقهاء و حقوقدانان مبنا و استناد اصلی در حد محاربه آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده است (قاسم‌زاده و ره‌پیک، ۱۳۸۹/۳: ۱۴۹ و ۱۵۱)، که به شرحی که ذکر شد، محاربه را مقید به قصد افساد فی الارض نموده و اراده‌ی این امر را یکی از ارکان ضروری برای آن می‌داند؛ لذا تصوّر محاربه‌ای که مصداق افساد فی الارض نباشد غیر ممکن و مردود است؛ اما در مقابل بر مبنای بررسی جامع در منابع روایی و فقهی و حقوق موضوعه‌ی ایران عناوین متعدّدی وجود دارند که بعنوان افساد فی الارض مطرح هستند، ولی فاقد رکن اصلی مورد نظر در محاربه، یعنی استفاده از سلاح، می‌باشند؛ همچون آتش افروزی، عادت بر قتل اهل ذمه، تکرار کفن دزدی (شریف‌زاد و حبیب‌زاده، ۱۴۰۱: ۲۱ و ۲۲)، فروش انسان آزاد (تجارت

انسان)، سحر، جاسوسی (باقری، پیشین، ۴۵-۴۰)، تکرار قاچاق مواد مخدر تا ۴ بار که مجموع آن به سی گرم برسد (ماده‌ی ۹ قانون مبارزه با مواد مخدر)، قاچاق مواد مخدر با شرایط خاص مذکور در ماده‌ی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر، جرایم اخلاف در نظام اقتصادی به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور، موضوع قانون مجازات اخلافگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ (بای، ۱۳۸۵: ۴۴ و ۴۵)، و ...

در نظام حقوقی کشورمان، علاوه بر مصادیق مستقل افساد فی الارض در قوانین مختلف به شرح فوق، رویکرد مقنن در قانون مجازات اسلامی جدید در تفکیک محاربه و افساد فی الارض و ارائه‌ی تعریف مستقل و عام از افساد فی الارض در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، به گونه‌ای که محاربه را نیز دربر می‌گیرد، خود مؤید پذیرش رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق از نقطه نظر مقنن ایرانی است؛ بدین نحو که مطابق ماده‌ی ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محاربه «کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد» و بر مبنای قید «به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد» در مقایسه با تعریف ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، به وضوح معلوم می‌گردد که محاربه خود یکی از مصادیق «جرایم علیه امنیت داخلی کشور» مذکور در ماده‌ی ۲۸۶ و مصداقی برای عنوان عام افساد فی الارض می‌باشد.

۲-۲. ابهام رابطه‌ی ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی با قانون مجازات

اخلافگران در نظام اقتصادی کشور

در ارتباط با رابطه‌ی ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، که صراحتاً به «اخلاف در نظام اقتصادی کشور» نیز اشاره داشته، با قانون مجازات اخلافگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، نظریات متفاوتی قابل طرح است: نظریه‌ی نخست: نسخ قانون مجازات اخلافگران در نظام اقتصادی کشور توسط ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی بعنوان عام مؤخر، از این منظر که علاوه بر اخلاف در نظام اقتصادی کشور سایر مصادیق افساد فی الارض را نیز دربر می‌گیرد؛ نظریه‌ی دوم: تخصیص قانون مجازات اخلافگران در نظام اقتصادی کشور توسط ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی بعنوان خاص مؤخر، که صرفاً موارد اخلاف کلان در نظام اقتصادی کشور را، که با توجه به آثار گسترده مصداق افساد

فی الارض می‌باشند، دربر می‌گیرد؛ نظریه سوم: حکومت ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی بر قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور و تضییق قلمرو مصادیق اخلاک کلان منجر به افساد فی الارض، از طریق بیان برخی قیود در تحقق افساد فی الارض در ماده‌ی مذکور. از میان نظریات فوق نظریه‌ی نخست دارای دو ایراد اساسی است؛ نخست آنکه از حیث قلمرو، رابطه‌ی منطقی این دو مقرره عموم و خصوص من وجه است و نه عموم و خصوص مطلق تا عام در مفهوم مورد نظر در نسخ در اینجا مصداق یابد.^۱ بدین نحو که هر دو مقرره‌ی فوق جرایم اخلاک کلان در نظام اقتصادی کشور مصداق افساد فی الارض را دربر می‌گیرند. قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور تمامی مصادیق اخلاک در نظام اقتصادی کشور، اعم از اخلاک کلان و اخلاک غیر کلان را، دربر می‌گیرد؛ این در حالی است که ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی صرفاً موارد اخلاک کلان مصداق افساد فی الارض را دربر می‌گیرد. ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی علاوه بر موارد اخلاک کلان مصداق افساد فی الارض شامل سایر جرایم افساد فی الارض نیز می‌گردد.

ایراد دیگر نظریه‌ی نخست آن است که مفاد و عبارات ماده‌ی ۲۸۶ به گونه‌ای نیست که بخواهیم آن را نسخ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور بدانیم؛ زیرا در این ماده که در مقام بیان و توجه به موارد اخلاک در نظام اقتصادی کشور بوده و حتی اشاره‌ی صریح به آن داشته، صرفاً با بیان برخی قیود، موارد اخلاک کلان منجر به افساد فی الارض را از منظر شرایط و قیود تحقق موضوع حکم جدید قرار داده و این تغییر در شرایط تحقق جرم و مقید و محدود نمودن (تضییق) آن است و نه نسخ قانون سابق.

۱. ابوالفتح جرجانی در تفسیر شاهی در تفسیر آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی طلاق بیان می‌دارد: «(اما اول) از جهت آنکه بر تقدیر صحت نقل و منقول تخصیص یا نسخ متأخر متقدم را وقتی صحیح است که متأخر اعم مطلق باشد از متقدم. اما اگر میان ایشان عموم و خصوص من وجه باشد همچنانکه در ما نحن فیه هیچ یک را رجحانی نیست بر دیگری» (جرجانی، ۱۳۶۲ ه.ش، ج ۲: ۴۴۲). همچنین ایشان در قسمت دیگری در مقام مقایسه و بررسی نسبت آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی طلاق (وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ) با آیه‌ی شریف ۲۳۴ سوره‌ی بقره (وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ) بیان می‌دارد: «و بنابر این نسبت در میان مفاد این دو آیه عموم و خصوص من وجه است نه عموم و خصوص مطلق تا قائل به تخصیص و یا نسخ و ترجیح یکی بر دیگری باشیم» (جرجانی، ۱۳۶۲ ه.ش، ج ۲: ۴۴۰).

در ارتباط با نظریه‌ی دوم نیز باید گفت بر مبنای رابطه‌ی عموم و خصوص من وجه بین دو مقرّره‌ی قانونی مورد بحث، ادّعای تخصیص نیز همچون ادّعای نسخ مردود است. بعلاوه آنکه مقنّن درصدد ایجاد شرایط جدید در تحقّق مصادیق اخلال کلان منجر به افساد فی الارض بوده، نه بیان حکم جدید کلی در خصوص موضوع که بتوان آن را به منزله‌ی تخصیص دانست.

بنابراین، به شرحی که برخی نویسندگان حقوقی نیز اذعان داشته اند (برهانی، پیشین: ۲۱ و جعفری مسلم و آقابابایی، ۱۴۰۰: ۵۳) باید گفت رابطه‌ی این دو قانون بدین شکل است که بر مبنای تحوّل به عمل آمده در ارتباط با موارد اخلال کلان منجر به افساد فی الارض در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، ماده‌ی مذکور بر قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور حکومت دارد؛ بدین نحو که این قانون برخی قیود و شرایط جدید را برای تحقّق اخلال در نظام اقتصادی کشور منجر به افساد فی الارض وضع نموده و قلمرو جرم را تضییق نموده است؛ با این توجیه که اولاً، در اینجا برای تحقّق اخلال در نظام اقتصادی منجر به افساد فی الارض، علاوه بر تحقّق قیود مذکور در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا قصد مقابله با آن نیز ضروری است و این خود محدودیتی خواهد بود که باعث کاهش مجازات اعدام و محدود شدن آن به لطمه‌ی جدّی به نظام اقتصادی با قصد تقابل با نظام جمهوری اسلامی خواهد بود؛ امری که مطلوب و هدف غایی تحلیل‌ها و تفاسیر مختلف از این قانون و بهترین راهکار برای حفظ و تأمین حقوق متهمان اقتصادی در شرایط کنونی خواهد بود. ثانیاً، در هر حال مجازات اعدام، مجازاتی خاص و مشدّد است که باید حتّی الامکان از وضع آن اجتناب و آن را محدود به موارد خاص و ضروری نمود؛ لذا با افزایش قیود و محدودیت‌های متناسب در شرایط تحقّق جرایم منجر به این مجازات، به موازات بازدارندگی قانون، ما با رعایت بیشتر و بهتر حقوق متهم و جلوگیری از تبعات سوء اجتماعی و بین‌المللی مجازات مذکور مواجه خواهیم بود. رویکردی که مصلحت متهم و جامعه را به خوبی تأمین می‌نماید. ثالثاً، این راهکار در مقایسه با سایر راهکارهای ارائه شده در راستای حل بحران قضایی ناشی از این مقرّرات موسّع، مبهم و مجمل، همچون عدم اجرای قانون به واسطه‌ی شبهه شرعی و... (برهانی، پیشین: ۴۲) مطلوب‌تر بوده و با اصل

لازم‌الاتباع بودن قانون مصوّب مجلس پس از انتشار برای عموم و همچنین ابعاد اجرایی آن همخوانی بیشتری دارد.

۳-۲. ابهام در تبصره‌ی ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و رابطه‌ی آن با

سایر قوانین

تبصره‌ی ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ابهام دیگر حاکم بر این ماده بوده که ضعف آن و اشکالات وارد بر این ماده را دوچندان می‌نماید. در این تبصره روشی خاص و غیرمعمول در قانونگذاری کیفری بکار رفته است؛ بدین نحو که در شرایطی که خود مفهوم افساد فی الارض مفهومی کلی و مبهم است، برای رفتارهای مذکور در این ماده، در صورتی که مصداق فساد فی الارض نباشد و در سایر قوانین موضوع جرم‌انگاری واقع نشده باشد، مجازات دیگری، که البته خفیف‌تر می‌باشد، در نظر گرفته است؛ با بیان اینکه: هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه‌ی فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه‌ی پنج یا شش محکوم می‌شود. بنابراین عملاً با لحاظ منطوق تبصره و مقایسه‌ی آن با متن ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ما با سه حالت مختلف مواجه خواهیم بود: حالت نخست: ارتكاب هر یک از مصادیق رفتارهای مذکور در ماده، به گونه‌ای که با وجود جرم‌انگاری آنها در سایر قوانین، به واسطه‌ی سوءنیت خاص، یعنی حسب مورد و بسته به نوع رفتار مجرمانه با قصد تحقق «اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه‌ی فساد یا فحشا در حد وسیع»، مصداق افساد فی الارض و ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی بوده و دارای مجازات اعدام است. حالت دوم: ارتكاب هر یک از مصادیق رفتارهای مذکور در ماده، به گونه‌ای که در قوانین خاص جرم‌انگاری گردیده باشد و به واسطه‌ی فقدان سوءنیت خاص، مورد نظر در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، مصداق افساد فی الارض و ماده‌ی مذکور نباشد. در این شرایط همان مجازات مقرر در قوانین خاص اعمال می‌گردد. حالت سوم: ارتكاب هر یک از مصادیق رفتارهای مذکور در ماده، به گونه‌ای که نه مصداق جرم‌انگاری صورت گرفته

در سایر قوانین باشد و نه افساد فی الارض مذکور در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی تلقی گردد. این موارد مشمول مجازات خاص مذکور در تبصره، یعنی با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، حبس تعزیری درجه‌ی پنج یا شش، می‌باشد.

در این میان، تحقق حالت سوّم، که فرض مبنای وضع این تبصره و موضوع مجازات مذکور در آن است، نه توجیه‌پذیر و مطلوب بوده و نه ممکن است. عدم مطلوبیت تبصره و حالت سوّم به دلیل روش اتخاذی در تبصره است، که مبتنی بر کلی‌گویی بوده و نقض آشکار اصل قانونی بودن جرم و مجازات را موجب می‌گردد؛ زیرا نه افساد فی الارض قلمرو کاملاً مشخصی دارد تا ملاک و میزان سنجش جرایم موضوع تبصره و حالت سوم باشد، و نه اینکه مصادیق رفتارهای مذکور در ماده مصادیق معینی هستند و تمامی آنها عبارات کلی می‌باشند؛ بنابراین، به درستی مشخص نیست که بر چه اساس و با چه معیاری باید جرایم مشمول تبصره را تشخیص داد؟

ادبیات و مفهوم ماده و حتی مبنای وضع آن نیز با تبصره‌ی فوق همخوانی نداشته و در تعارض است و این امر عدم مطلوبیت و توجیه‌ناپذیری تبصره را بیش از پیش تأیید می‌نماید؛ توضیح آنکه علی‌رغم ابهام و ایراد در نگارش متن ماده، در نهایت با دقت و تأمل روشن می‌گردد که ماده به گونه‌ای تنظیم شده که در حال بحث از جرایم مصداق فی الارض می‌باشد، نه اینکه صرفاً رفتار افراد، اعم از آنکه جرم بوده یا خیر، مورد نظر باشد؛ چون در ابتدای ماده واژه‌ی مرتکب بکار رفته که در متون قوانین کیفری عمدتاً اشاره به فاعل جرم دارد. مبنای وضع ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی نیز چنانکه برخی نویسندگان حقوق کیفری گفته‌اند (رهبرپور و نورمحمدی، ۱۳۹۷: ۲۱۴ و شریف‌زاده، و حبیب‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۹)، ایجاد مقرّره‌ای تکمیلی در راستای جرایم قبلی و تشدید آنها، در صورتی است که رفتار مجرمانه به افساد الارض انجامیده و مصداق آن باشند؛ و نه آنکه درصدد جرم‌انگاری مصادیق جدید رفتار مجرمانه باشد تا وجود تبصره با مفاد کنونی ممکن و مطلوب باشد. بعلاوه در خود تبصره نیز ابهام و تناقض وجود دارد؛ زیرا عبارت «جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد» در تبصره متضمن فرضی اشتباه و مردود می‌باشد؛ مگر می‌شود جرم مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد؛ مگر نه این است

که اساساً تشخیص جرم بودن عمل بر مبنای مجازات تعیین شده برای آن است؛ این امر عدم تدقیق و فقدان تأمل مطلوب در تدوین و تصویب این تبصره را آشکار می‌سازد. از منظر امکانی و قابلیت تحقق نیز تبصره‌ی مذکور مردود و غیر متصور است؛ زیرا اساساً امکان تحقق رفتاری که مصداق ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی باشد، ولی جرم موضوع قوانین خاص نباشد غیرممکن است.

بر مبنای تحقیق جامع نگارنده در قوانین مختلف مرتبط با موضوع، تمامی مصادیق رفتارهای مذکور در ماده در قوانین خاص جرم‌انگاری شده اند: جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد: در فصل هفدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و مواد مربوط به قصاص و دیه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛ جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور در فصل نخست کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین همچون قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح؛ نشر اکاذیب، احراق و تخریب و یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا به ترتیب در فصل بیست و هفتم (ماده‌ی ۶۹۸)، فصل بیست و پنجم و فصل هجدهم (ماده‌ی ۶۳۹) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی؛ اخلال در نظام اقتصادی کشور در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و قوانین مرتبط همچون ماده‌ی ۳۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛ پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک، بعنوان اقدام مصداق تهدید علیه بهداشت عمومی، از یک سو در فصل بیست و پنجم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (ماده‌ی ۶۸۸) و از سوی دیگر در مواد ۳ و ۴ «قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز» مصوب ۱۳۹۰، به صراحت موضوع جرم‌انگاری واقع گردیده است. با این توضیح که در ارتباط با ماده‌ی ۶۸۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، با عنایت به عبارت عام «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود» در ابتدای این ماده، بعنوان عنصر مادی جرم، که پخش مواد سمی و میکروبی نیز را دربر می‌گیرد، تردیدی باقی نمی‌ماند که موارد پخش مواد سمی و میکروبی، که منجر به افساد فی الارض نباشد، مشمول این ماده و مجازات مقرر در آن است.

در این زمینه باید افزود که مترادف دانستن اقدامی که تهدیدی علیه بهداشت عمومی باشد با آلودگی محیط زیست در تبصره‌ی ۱ این ماده و بیان حکم یکسان برای این دو،

بعنوان مصداق رفتار مجرمانه‌ی مذکور در این ماده، با لحاظ تعریفی که در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی مذکور از آلودگی محیط زیست شده و در آن صراحتاً از «پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین» سخن به میان آمده، بیش از پیش ادعای فوق را تأیید نموده و هرگونه تردید در این زمینه را منتفی می‌نماید. بعلاوه در مواد ۳ و ۴ «قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز» مصوب ۱۳۹۰، به طور عام، هرگونه اقدام مقدماتی برای پخش مواد سمی و میکروبی جرم انگاری شده است. بدین نحو که ماده‌ی ۳ قانون مذکور هرگونه مواد «شیمیایی، رادیواکتیو، میکروبی، گازهای بیهوش کننده، بی حس کننده و اشک آور» را مصداق «اقلام و مواد تحت کنترل» دانسته و ماده‌ی ۴ به طور عام هرگونه اقدام در زمینه‌ی وارد کردن اقلام و مواد تحت کنترل به کشور، خارج کردن آنها از کشور، ساخت، مونتاژ، نگهداری، حمل، توزیع، تعمیر و همچنین هرگونه معامله‌ی آنها بدون مجوز مراجع ذیصلاح را جرم دانسته و این چنین هرگونه اقدام مقدماتی برای پخش آنها را نیز ممنوع نموده است. لازم به ذکر است این امر در خصوص دو عمل نگهداری و حمل حتمی و همیشگی است و در خصوص سایر موارد احتمالی است؛ زیرا اساساً پخش مواد مورد بحث ملازمه با حمل و نگهداری آنها داشته و به واسطه‌ی ممنوعیت و جرم انگاری این دو رفتار، باید اذعان نمود طبق این ماده عملاً و در واقع امر پخش مواد مذکور نیز ممنوع بوده و بدون ارتکاب جرم غیر ممکن است.

بنابراین، اساساً رفتاری از مصادیق رفتارهای مذکور در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی باقی نمی‌ماند که در سایر قوانین جرم انگاری نشده باشد و تبصره‌ی ماده‌ی مذکور حشو و خود زمینه‌ساز ابهام در رویه‌ی قضایی است. اگرچه در تفسیر قانون باید حتی المقدور به گونه‌ای عمل شود که مقنن محکوم به حشو نشود، ولی به شرح فوق این تبصره در عمل مصداقی نمی‌یابد تا بخواهد مورد استناد قضات در احراز جرایم جدید و تعیین مجازات برای آنها واقع گردد. بر این اساس، فراتر رفتن از تفسیر ارائه شده و کشف جرایم جدید با استناد به تبصره‌ی ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی علاوه بر منافات با منطوق و روح خود ماده، بنا به جهات متعددی که ذکر گردید، در تقابل آشکار با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری به نفع متهم می‌باشد.

۳. تحلیل و آسیب‌شناسی نقائص ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی

۳-۱. تسری عنوان افساد فی الارض به جرایم ارتكابی در حوزه‌های

مختلف

مقتن در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، بعنوان عنصر قانونی جرائم افساد فی الارض، با رویکردی موسع هرگونه مباشرت و یا معاونت در جرایم ارتكابی در حوزه‌های مختلف تمامیت جسمانی افراد، امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا را، در شرایطی که آثار جرم گسترده باشد، در حدی که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه‌ی فساد یا فحشا در حد وسیع شود، مشمول عنوان مجرمانه خاص و مستقل، یعنی «افساد فی الارض»، و دارای مجازات مستقل و شدید، یعنی مجازات اعدام، قرار داده است. در بدو امر به نظر می‌رسد بر مبنای جرم‌انگاری عنوان عام افساد فی الارض، که دارای سابقه‌ی فقهی و قرآنی است، جرم‌انگاری صورت گرفته در این مقررہ اقدامی تحسین‌برانگیز و از مزایای قانون جدید مجازات اسلامی است؛ این در حالی است که اگرچه نفس رفع ابهام از عناوین قانونی و وضع مقررہ در این زمینه مطلوب است، ولی این به معنای تأیید و پذیرش جرم‌انگاری در این زمینه، آن هم بدین شکل عام و گسترده، نیست. توضیح آنکه افساد فی الارض عنوانی تکمیلی است که در سابقه‌ی امر و رویه‌ی فقهاء در بسیاری از موارد بعنوان جرمی مستقل نیامده است؛ چنانکه رویه‌ی مقتن در قانون مجازات اسلامی سابق هم مترادف دانستن این اصطلاح با محاربه و بیان همزمان این دو در کنار یکدیگر بود. قدر متیقن اینکه در این وضعیت شایسته بود، یا در ارتباط با مفهوم افساد فی الارض با احتیاط بیشتری عمل می‌شد و ضمن تبیین مفهوم آن، جرم‌انگاری جدید صورت نمی‌گرفت و مصادیق جدیدی بر آن افزوده نمی‌گردید، بلکه صرفاً قیودی برای تحقق مصادیق موردی مذکور در سایر قوانین افزوده می‌شد؛ یا آنکه اگر مقرر بود جرم‌انگاری جدید صورت گیرد عنوان مجرمانه‌ی مشخص و مستقلی از قوانین مبهم قبلی، با ارکان واضح، جرم‌انگاری می‌شد و قوانین مبهم قبلی نسخ یا لااقل در محدوده‌ی تعارض تابع این ماده‌ی قانونی دانسته می‌شدند؛ این در حالی است که مقتن با بیانی عام و موسع به

قوانین قبلی اشاره نموده و بر ابهام و نقص حقوق موضوعه در زمینه‌ی افساد فی الارض افزوده است.

بنابر آنچه ذکر گردید تسری عنوان مشدد افساد فی الارض به مصادیق متعدّد جرایم در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، خود رویکردی موسّع برخلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و زمینه‌ساز ابهامات جدّی در مفهوم و مصادیق افساد فی الارض و قلمرو اجرایی ماده مذکور می‌باشد؛ به نحوی که باید اذعان نمود که «اگر قیود خاص ماده تحقق یافت، این ماده حاکم بر بسیاری از مواد قانون مجازات اسلامی خواهد بود و مرتکب را از دایره‌ی یک جرم خاص خارج کرده و در قلمرو جرم افساد فی الارض وارد می‌کند» (برهانی، پیشین: ۲۱).

بنابراین، در نهایت امر، نحوه‌ی جرم‌انگاری ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و عمومیت‌گرایی غیر معمول کیفری در آن با ارجاع به قوانین سابق، در خصوص عنوان خاص افساد فی الارض، با مجازات شدید اعدام، توجیه‌پذیر نبوده و نقیصه‌ای آشکار است که جز با اصلاح قانون مرتفع نمی‌گردد؛ زیرا صراحت مقنّن در این زمینه و اصل لازم‌الاتباع بودن قانون مانع از هرگونه تفسیر اصلاحی، که خود مخالف آشکار قانون خواهد بود، می‌باشد.

نکته‌ی مهمی که در اینجا باید خاطر نشان نمود آنکه ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی با وجود رویکرد موسّع اتخاذی در آن در قلمرو همان عناوین عام بکاررفته بوده و سایر رفتارهای مجرمانه‌ی مصداق افساد فی الارض در سایر قوانین سابق را، همچون ماده واحده‌ی تشدید مجازات جاعلان اسکناس و واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس معجول مصوّب ۱۳۶۸، تبصره‌ی الف ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند ۱۳۸۶ و قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوّب ۱۳۶۴، جز در مواردی که مصداق رفتارهای مجرمانه ذکر شده در این ماده باشند، دربر نمی‌گیرد. باید توجه نمود که ایجاد اختلال شدید در نظم عمومی کشور، سبب ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی شدن و سبب اشاعه‌ی فساد یا فحشا در حد وسیع شدن قیودی برای رفتارهای مجرمانه ذکر شده یعنی «جنایت علیه تمامیت

جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها^۱ بوده و نمی‌توان آنها را مبنایی برای تسری ماده‌ی ۲۸۶ قانون نسبت به رفتارهای مجرمانه‌ی موضوع قوانین سابق مذکور قرار داد. لذا رویه‌ی اتخاذی در برخی آراء قضایی مورد ایراد و اشکال جدی است.^۱

همچنین باید توجه نمود که موارد افساد فی الارض در قوانین بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ همچون ماده‌ی ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۹۶ و تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸ نیز با توجه به تأخر آنها بر قانون مذکور خارج از شمول ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی بوده و از جرایم و مجازات‌های خاص در حوزه‌ی افساد فی الارض تلقی می‌گردند.

۲-۳. مجازات واحد معاونت و مباشرت در جرم و عدم تمایز مفهوم و

مجازات معاونت و سردهستگی

در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، در انتهای بیان مصادیق عنصر مادی جرم، یا همان جرایم مذکور در قوانین قبلی، قید «یا معاونت در آنها گردد» بکار رفته و به صورت عام در تمامی موارد برای معاونت مجازاتی یکسان با مجازات مباشرت در جرم وضع گردیده است؛ این رویه علاوه بر آنکه مغایر با اصول و قواعد حقوق جزای عمومی در ارتباط با معاونت در جرم است، با رویکرد مقنن در قانون مجازات اسلامی جدید در این زمینه نیز مغایرت دارد؛ توضیح آنکه در فصل سوم بخش سوم کتاب اول (مواد ۱۲۶ تا ۱۲۹) قانون

۱. دادنامه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۴ که در گردش پرونده در دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۳۰۹۹۸۲۶۲۳۲۰۰۲۴۸ مورخ ۱۳۹۴/۱/۲۳ شعبه‌ی ۴۱ دیوان عالی کشور ذکر گردیده و در آن قید شده است: «لذا مستنداً به بند الف ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند و ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی هر یک از متهمین ردیف اول و دوم را به یک فقره اعدام در محل وقوع جرم منطقه‌ی س. ه. محکوم می‌نماید».

این دادنامه در شعبه‌ی ۴۱ دیوان عالی کشور نقض گردید. در این زمینه به آدرس اینترنتی ذیل مراجعه نمایید.

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ همچون قانون سابق (ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰)، ضمن حفظ نظریه ی یگانگی جرم معاون و فاعل و اینکه مجازات معاون نسبت به فاعل تبعی است، در نهایت امر در ارتباط با مجازات معاون، «با وجود رفتارهای متفاوت معاونت، قانونگذار این بار نیز معاون را سزاوار مجازات خفیف تری نسبت به مجازات فاعل اصلی جرم دانسته است» (اردبیلی، ۱۳۹۹/۲: ۷۸). این چنین اصل و قاعده ی اولیه در حوزه ی مجازات معاون جرم و نحوه ی تعیین آن این است که مجازات ایشان باید خفیف تر از فاعل و مباشر اصلی جرم باشد؛ این امر از ماده ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، که در مقام بیان نحوه ی تعیین مجازات معاون در تمامی موارد طبقه بندی شده در این ماده مجازات معاون را خفیف تر از مجازات فاعل و مباشر اصلی جرم دانسته، به وضوح برمی آید.

بنابراین، رویکرد اتخاذی در ماده ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در ارتباط با جرایم مصداق افساد فی الارض، بر خلاف اصل خفیف تر بودن مجازات معاون نسبت به فاعل و مباشر اصلی جرم بوده و رویکرد مقنن در این زمینه مورد انتقاد است؛ بویژه آنکه مجازات تعیینی در این ماده یعنی اعدام، شدیدترین نوع مجازات بوده و اتخاذ این روش خاص، آن هم بدین شکل عام و برای تمامی موارد معاونت در جرم، در اینجا به هیچ وجه توجیه پذیر نیست و تضییع جدی حقوق متهمان به افساد فی الارض را به همراه دارد.

برخی نویسندگان حقوق کیفری برای اجتناب از آثار سوء و ناعادلانه ی منطوق ماده ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در نحوه ی تعیین مجازات معاون، در اینجا منظور از معاون را، معنای ظاهری آن ندانسته، بلکه یا معاون را به معنای سردسته به مفهوم مورد نظر در ماده ی ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی می دانند و مجازات یکسان بین مباشر و معاون در ماده ی ۲۸۶ را ناشی از این امر دانسته اند؛ یا آنکه لااقل باید معاونت در اینجا صرفاً آن دسته از موارد معاونت در جرم بوده که گسترده باشند و مرتکب قصد اخلاص گسترده یا علم به آن را داشته باشد، و سایر موارد معاونت مشمول همان احکام و قواعد عمومی تعیین مجازات

۱. «هر کس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می شود».

معاون در ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی طبق اصل خفیف‌تر بودن مجازات معاون از مباشر جرم است (حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۱: ۲۹، ۴۳-۴۰ و ۵۰).

اگرچه این تفسیر گاه با واقعیات عملی در حوزه‌ی نحوه‌ی تحقق جرایم افساد فی الارض، که از زمره‌ی جرایم علیه امنیت در مفهوم عام خود می‌باشد (باقری، پیشین، ۲۴)، و در بسیاری از موارد با سردستگی افراد خاص بعنوان رهبر و مرجع فکری جریان خاص مجرمانه به وقوع می‌پیوندد، همخوانی دارد، ولی در تقابل آشکار با متن ماده است؛ زیرا نه قرینه‌ای برای استنباط مفهوم سردستگی در ماده وجود دارد و نه برای تفکیک بین معاونت گسترده و معاونت غیر گسترده. لذا نمی‌توان بر خلاف نص صریح ماده، که به طور مطلق از معاونت سخن به میان آورده، تفسیری داشت و باید یکی از رویکردهای اتخاذی در این ماده را که ممکن است ناشی از سیاست ارعایی و مشدد مقنن در جرایم افساد فی الارض باشد، مجازات یکسان معاون و مباشر جرم دانست؛ امری که خود شدیداً مورد انتقاد است؛ بویژه آنکه در اینجا باید مفهوم معاونت را بر اساس مقرره‌ی عمومی ماده‌ی ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی دریافت و اعمال نمود؛ این در حالی است که این مقرره، که بر مبنای فرض خفیف‌تر بودن مجازات معاون نسبت به مباشر بوده، رویکردی عام در تعریف مفهوم معاون داشته و مصادیق متعدد رفتارهای ناظر بر هرگونه ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم و همچنین دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت موجب وقوع جرم، ساخت و تهیه‌ی وسایل و یا ارائه‌ی طریق ارتکاب جرم و در نهایت تسهیل وقوع جرم را دربر می‌گیرد؛ لذا اعمال این مفهوم عام برای جرم خاص افساد فی الارض با مجازات اعدام، نقض آشکار اصل عدالت کیفری و تناسب جرم و مجازات را به همراه خواهد داشت؛ زیرا از یک سو فردی که کمترین ارتباط را با وقوع جرم دارد به مجازات مباشر اصلی جرم در افساد فی الارض محکوم می‌گردد؛ و از سوی دیگر تمایز مفهوم معاونت در جرم با سردستگی در جرم، که مطابق تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی «عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره‌ی گروه مجرمانه است» و ضرورتی ندارد در قالب مباشرت در جرم به وقوع پیوندد، در مواردی که سردستگی به شکل غیر مستقیم و عدم مباشرت در جرم باشد غیرممکن خواهد بود و سردسته هم مجازاتی یکسان با معاون دارد؛ بنابراین، عملاً در وضعیت کنونی در جرایم افساد فی

الارض معاون جرم، مباشر جرم و سردهستی جرم برخلاف اصل تناسب جرم و مجازات دارای مجازاتی یکسان خواهند بود.^۱

نکته‌ی مهمی که در اینجا باید خاطرنشان نمود آنکه تحوّل ماده‌ی ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مبنی بر بیان اینکه «مصادیق خاص قانونی که در آنها برای شروع به جرم و معاونت در جرم مشخص تحت همین عناوین مجازات تعیین شده است (...) نسخ می‌گردد» در رفع ایرادات فوق کارآمد نخواهد بود، چون علی‌رغم تفسیر عام به عمل آمده از این مقررّه با بیان اینکه «از این پس، دادگاه‌ها در تعیین مجازات معاون جرم باید به ماده‌ی ۱۲۷ ق.م.ا، استناد کنند» (اردبیلی، پیشین، ۸۴). چنانکه برخی نویسندگان حقوق کیفری بیان داشته‌اند این ماده‌ی نسخ مجازات معاونت در افساد فی الارض در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی نمی‌باشد؛ زیرا «قانون کاهش حبس تعزیری ناظر بر مجازات‌های تعزیری است و ماده‌ی ۲۸۶ در قسمت حدود است» (حاجی‌ده‌آبادی، پیشین، ۴۹). لذا مقررّه‌ی مذکور و تفسیر عام ذکر شده قابل تسرّی به جرایم حدّی موضوع ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی نمی‌باشد.

نتیجه

به موازات تحولات مثبت ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی از منظر مستقل دانستن افساد فی الارض از محاربه، محدود نمودن تحقق افساد فی الارض به قید گسترده بودن آثار جرم بر مبنای تحقق برخی قیود و جنبه‌ی عمومی تمامی جرایم افساد فی الارض، در مقابل ابهام در مفهوم و قلمرو جرائم افساد فی الارض از منظر رابطه‌ی آنها با جرم محاربه، ابهام در رابطه‌ی ماده‌ی ۲۸۶ با قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور، ابهام در تبصره‌ی ماده‌ی مذکور و رابطه‌ی آن با سایر قوانین، ابهامات این ماده‌ی قانونی هستند. تسرّی عنوان افساد فی الارض به جرایم ارتكابی در حوزه‌های مختلف و همچنین وضع مجازات واحد برای معاونت و مباشرت در جرم و عدم تمایز مفهوم و مجازات معاونت و سردهستگی نیز

۱. البته نقص فوق صرفاً مربوط به ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ نبوده و بخشی از آن مربوط به ماده‌ی ۱۳۰ این قانون و بیان مجازات یکسان برای سردهسته و مباشر اصلی جرم در این ماده می‌باشد، که خود مورد انتقاد است. زیرا «نظر به نقش تعیین‌کننده و فعال فرد سردهسته در ارتکاب جرم، اجرای عدالت اقتضاء می‌کند که در قبال رفتار وی، کیفر شدیدی مقرر گردد» (توجهی، ۱۳۹۴: ۱۸۹).

نقائص این ماده هستند. در مجموع بر مبنای مطالعه در منابع فقهی و حقوقی مرتبط و تحلیل و آسیب‌شناسی موضوع، ضمن شناسایی موارد ابهامات و نقائص فوق‌الذکر راهکارهای تفسیری و اجرایی و یا اصلاحی ذیل در ارتباط با آنها توصیه می‌گردد:

الف. در خصوص ابهامات ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی:

۱- در ارتباط با ابهام در مفهوم و قلمرو جرائم افساد فی الارض از منظر رابطه‌ی آنها با جرم محاربه: در مجموع به نظر نگارنده باید رابطه‌ی محاربه و افساد فی الارض را عموم و خصوص مطلق دانست. لذا تصور محاربه‌ای که مصداق افساد فی الارض نباشد غیر ممکن و مردود است؛ اما در مقابل بر مبنای بررسی جامع در منابع روایی و فقهی و حقوق موضوعه‌ی ایران عناوین متعددی وجود دارند که بعنوان افساد فی الارض مطرح هستند، ولی فاقد رکن اصلی مورد نظر در محاربه، یعنی استفاده از سلاح، می‌باشند. در نظام حقوقی کشورمان، علاوه بر مصادیق مستقل افساد فی الارض در قوانین مختلف، رویکرد مقنن در قانون مجازات اسلامی جدید در تفکیک محاربه و افساد فی الارض و ارائه‌ی تعریف مستقل و عام از افساد فی الارض در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، به گونه‌ای که محاربه را نیز دربر می‌گیرد، خود مؤید پذیرش رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق از نقطه نظر مقنن ایرانی است؛ بدین نحو که محاربه خود یکی از مصادیق جرایم علیه امنیت داخلی کشور مذکور در ماده‌ی ۲۸۶ و مصداقی برای عنوان عام افساد فی الارض است.

۲- در ارتباط با ابهام در رابطه‌ی ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی با قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور: بر مبنای تحوّل به عمل آمده در ارتباط با موارد اخلا لگران منجر به افساد فی الارض در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، ماده‌ی مذکور بر قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور حکومت دارد؛ بدین نحو که این قانون برخی قیود و شرایط جدید را برای تحقّق اخلا ل در نظام اقتصادی منجر به افساد فی الارض وضع نموده و قلمرو جرم را تضییق نموده است؛ بدین نحو که برای تحقّق اخلا ل در نظام اقتصادی منجر به افساد فی الارض، که مجازات خاص و مشدّد اعدام را به همراه دارد، علاوه بر تحقّق قیود مذکور در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا قصد مقابله با آن نیز ضروری است.

۳- در ارتباط با ابهام در تبصره‌ی ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و رابطه‌ی آن با سایر قوانین: با بررسی حالات مختلف مرتبط با ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌ی آن، اثبات گردید که حالت مورد نظر در تبصره، یعنی آن دسته از مصادیق رفتارهای مذکور در ماده که نه مصداق جرم‌انگاری صورت گرفته در سایر قوانین باشد و نه افساد فی الارض مذکور در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، نه مطلوب بوده نه ممکن است. بر مبنای تحقیق نگارنده در قوانین مختلف مرتبط با موضوع، تمامی مصادیق رفتارهای مذکور در ماده در قوانین خاص جرم‌انگاری شده اند و اساساً امکان تحقق رفتاری که مصداق ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی باشد، ولی جرم موضوع قوانین خاص نباشد غیرممکن است. بنابراین تبصره‌ی ماده‌ی مذکور حشو بوده و در عمل مصداقی نمی‌یابد تا بخواهد مورد استناد قضات در احراز جرایم جدید و تعیین مجازات برای آنها واقع گردد.

ب. در خصوص نقائص ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی:

۱- در ارتباط با نقص تسری عنوان افساد فی الارض به جرایم ارتكابی در حوزه‌های مختلف در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی: بهترین الگو و روش برای اصلاح این ماده آن است که یا این مقررّه، بعنوان مقررّه‌ای تکمیلی برای سایر قوانینی که بدون تعریف افساد فی الارض آن را جرم‌انگاری نموده اند مطرح باشد و صرفاً به تعریف آن پرداخته و از هرگونه جرم‌انگاری جدید اجتناب گردد؛ یا چنانچه مقتّن در صدد جرم‌انگاری افساد فی الارض است، ضمن نسخ کلیه‌ی موارد جرم‌انگاری افساد فی الارض در مقرّرات کنونی، مقررّه‌ای جامع در زمینه‌ی افساد فی الارض وضع نماید که در آن مؤلفه‌های ذیل لحاظ گردد: ۱. ضمن ارائه‌ی تعریفی جامع و مانع، تمامی شرایط و قیود تحقق آن، و در نهایت مجازات آن، دو نکته‌ی اساسی نیز لحاظ گردد: نخست: معیارهای واقع‌گرایانه و دقیق در حوزه‌ی آثار جرم بر مبنای سیاست‌های کلان در امور اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی لحاظ گردد، تا اساساً تشخیص تحقق افساد فی الارض در مفهوم دقیق کلمه بر مبنای اثر جرم ممکن و متصور باشد و در تعیین مجازات با توجه به همین معیارها و تشخیص ناشی از آنها اصل تناسب جرم و مجازات اعمال گردد. دوم: در راستای تعریف فوق و بر مبنای آن مصادیق جرایم مختلف افساد فی الارض احصاء و مشخص گردد و عنصر مادی و معنوی آنها مشخص گردد. عنصر معنوی علاوه بر سوءنیت عام یا همان قصد رفتار

مجرمانه، شامل موارد سوءنیت خاص، غیر از اراده‌ی افساد فی الارض، که در تمامی این نوع جرایم ضروری است، نیز خواهد بود؛ زیرا جرایم خاص مصداق افساد فی الارض می‌توانند با توجه به موضوع جرم و حوزه‌ی مرتبط منوط به تحقق موارد سوءنیت خاص دیگر هم گردند؛ ۲. بر مبنای سابقه‌ی عنوان افساد فی الارض در کتاب حدود در فقه جزایی اسلام، باید به حاکمیت قواعد احتیاطی همچون احتیاط فی الدماء، قاعده‌ی الدرء و قاعده‌ی ابتناء حدود بر تخفیف (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷/۱: ۴۹۶؛ گلیپایگانی، ۲/بی‌تا: ۳۲۳؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۵/۲: ۷۴۹؛ و مقدّس اردبیلی، ۱۳/بی‌تا: ۲۶۴) توجه نمود و رویکرد مضیق در تعیین مصداق افساد فی الارض در قانون و در مرحله‌ی بعد احراز و انطباق اقدامات اشخاص با مصداق مذکور را اعمال کرده و در صورت بروز هرگونه شبهه بر عدم تحقق افساد فی الارض حکم داد.

۲- در ارتباط با نقص مجازات واحد معاونت و مباشرت در جرم و عدم تمایز مفهوم و مجازات معاونت و سردستگی: راهکارهای تفسیری در تقابل آشکار با منطوق صریح این ماده بوده و نمی‌توانند این نقیصه‌ی آشکار را مرتفع نمایند؛ بنابراین اصلاح قانون ضروری است. در راستای اصلاح قانون ضرورتی ندارد برای معاونت نظام مجازات اختصاصی وضع گردد؛ زیرا بر مبنای قرائن موجود در ماده‌ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی، یعنی قید «شرع» در صدر این ماده و اشاره به جرایم حدّی در بندهای «ب» و «پ» آن، و همچنین قابلیت تطابق ماده‌ی مذکور، که در بند نخست آن به مجازات اعدام یا سلب حیات نیز اشاره شده، با جرم افساد فی الارض، باید قائل بر آن بود که مقررات معاونت در مواد ۱۲۶ تا ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی علی‌الاصول شامل حدود و یقیناً شامل افساد فی الارض، که فاقد احکام اختصاصی در حوزه‌ی معاونت در جرم است، نیز می‌گردد. نکته‌ی مهم آنکه باید مفهوم سردستگی در جرایم افساد فی الارض، به گونه‌ای که تمایز آن با معاونت آشکار گردد، مورد اشاره و تبیین واقع گردد؛ زیرا با وجود آنکه بر مبنای مفهوم عام معاونت، گاه تمایز این دو مفهوم از یکدیگر دشوار خواهد بود، ماده‌ی ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی راجع به مفهوم سردستگی در این زمینه کفایت نمی‌نماید. بویژه آنکه در بسیاری از موارد سرده‌ی گروه مجرمانه در افساد فی الارض مباشرت در ارتکاب جرم ندارد؛ و وضع مجازات یکسان برای معاون جرم و سرده‌ی آن نیز شایسته و عادلانه نیست؛ لذا افزودن

این نکته به ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در قالب تبصره‌ی الحاقی، بستری ضروری و حتمی برای قابلیت تمایز سردستگی از معاونت در افساد فی الارض می‌باشد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Jafar Nezamolmolki



<https://orcid.org/0000-0003-3386-0624>

منابع

الف - عربی

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار الشامیه.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*، دوره‌ی ۲۰ جلدی، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، دوره‌ی ۱۰ جلدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. (۱۳۷۳). *کنز العرفان فی فقه القرآن*، دوره‌ی ۲ جلدی، تهران، انتشارات مرتضوی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۳۹۵). *مفاتیح الشرائع*، دوره‌ی ۲ جلدی، تهران، مدرسه‌ی عالی شهید مطهری.
- قطب راوندی، سعید بن هبه‌الله. (۱۴۰۵). *فقه القرآن (راوندی)*، دوره‌ی ۲ جلدی، چاپ دوم، قم، کتابخانه‌ی عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- گلپایگانی، محمدرضا. (بی تا). *الدر المنصود فی أحكام الحدود*، دوره‌ی ۳ جلدی، قم، دار القرآن الکریم.
- محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل. (۱۴۱۴). *لسان العرب*، دوره‌ی ۱۵ جلدی، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (بی تا). *زبدۃ البیان فی أحكام القرآن*، تهران، مکتبه‌ی المرتضویه.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (بی‌تا). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، دوره‌ی ۱۴ جلدی، قم، جماعه المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی.
موسوی اردبیلی، عبدالکریم. (۱۴۲۷). *فقه الحدود و التعزیرات*، دوره‌ی ۴ جلدی، چاپ دوم، قم، جامعه المفید. مؤسسه النشر.
نجفی، محمد حسن بن باقر. (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، دوره‌ی ۴۳ جلدی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

الف - فارسی

اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۹). *حقوق جزای عمومی*، دوره‌ی سه جلدی، چاپ پنجاه و پنجم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
برهانی، محسن. (۱۳۹۴). «افساد فی الارض: ابهام مفهومی، مفاسد عملی، تحلیل حقوقی ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی»، *نشریه علمی پژوهشی مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۲ و ۳.
توجهی، عبدالعلی. (۱۳۹۴). *آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
جعفری مسلم، مجتبی و آقابابایی، عظیم. (۱۴۰۰). «جرم اخلاص کلان در نظام اقتصادی کشور در قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور و ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی»، *مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی*، دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۴۷.
جمع نویسندگان. (۱۳۸۵). *گنجینه‌ی استفتائات قضایی*، قم، مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه.
حاجی ده‌آبادی، احمد. (۱۴۰۱). «درنگی پیرامون معاونت در افساد فی الارض موضوع ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *فصلنامه‌ی علمی ترویجی دین و قانون*، بهار ۱۴۰۱، شماره‌ی ۳۵.
رهبرپور، محمدرضا و نورمحمدی، حسین. (۱۳۹۷). «چالش‌های حقوقی - قضایی جرم افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *پژوهش حقوق کیفری*، سال ۶، شماره‌ی ۲۲.
سمیعی زنوز، حسین و حبیب‌زاده، جعفر و صابر، محمود. (۱۳۹۵). «تحلیل جرم اخلاص در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده‌ی اشخاص در حقوق ایران»، *مجله‌ی آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره‌ی ۱۱.

- شریف‌زاد، مجید و حبیب‌زاده، محمدجعفر. (۱۴۰۵). «بررسی رابطه‌ی جرم محاربه و افساد فی الارض؛ از مبانی فقهی تا رویه‌ی قضایی»، دو فصلنامه‌ی علمی مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، سال ۱۶، شماره‌ی ۴۵.
- قرشی بنابی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن، دوره‌ی هفت جلدی، چاپ هفتم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- گلدوزیان، ایرج و احمدزاده، ابوالفضل. (۱۳۸۸). «بررسی تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق با رویکردی به لایحه‌ی پیشنهادی قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه‌ی حقوق، دوره‌ی ۳۹، شماره‌ی ۱.
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۹). جرایم علیه مصالح عمومی کشور، چاپ چهل و یکم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- هاشمی، سید محمود. (۱۳۷۶). «محارب کیست و محاربه چیست (بحثی در شناخت موضوع حد محارب)»، نشریه‌ی فقه اهل بیت، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، شماره‌ی ۱۱ و ۱۲.

Translated References into English

- Ardebili, Mohammad Ali; General criminal law , fifty fifth volume,(Tehran: Mizan, 2020). [In Persia]
- Borhani, Mohsen; “Ifsad fi al-Arth: Conceptual Ambiguity, Practical Repercussion (Evaluation of Islamic Criminal Law Article 286)”, Journal of Criminal Law and Criminology Studies , Volume 2, Issue ۳(۲۰۱۵). [In Persia]
- Jafari Moslem, Mojtaba and Aghababaei, Azim ; “The crime of major disruption of the economic system in the Law on Punishment of Disruptors of the Economic System and Article 286 of the Islamic Penal Code”, Journal of LEGAL RESEARCH , Volume 20, Issue 47(2022). [In Persia]
- Haji Dehabadi ,Ahmad;“Controversy regarding the deputy in corruption in the land, the subject of Article 286 of the Islamic Penal Code 1392”, Quarterly Journal Religion and Law ,Volum 10 ,Issue 35(2022). [In Persia]

Tavajohi, Abdul Ali; Pathology of the Islamic Penal Code approved in 2012, (Tehran, Judiciary, Press and Publishing Center, 2015). [In Persia]

Rahbarpour, Mohammadreza and Noormohammadi, Hossein; "The legal - judicial challenges of the crime of corruption on the earth (Ifsad fi al-Arz) in the Islamic Penal Code 1392", Journal of Criminal Law Research, Volume 6, Issue 22(1397). [In Persia]

Samii Zenouz, Hossein and Habibzadeh, Mohammad Jaafar and Saber , Mahmoud; " Analyzing the crime of "disrupting the country's economic system" by accepting the deposit of individuals in Iranian law", Criminal Law Doctorines, Volume 13, Issue 11(2015). [In Persia]

Sharifzad, Majid and Habibzadeh, Mohammad Jaafar; " Investigating the relationship between the crime of "war" and "corruption on earth"; From jurisprudential foundations to judicial procedure", Journal of Studies in Islamic jurisprudence and fundamentals of law, 16th year, issue ۴۵(۲۰۲۲). [In Persia]

Qorshi Banabi, Ali Akbar, Qamous e Quran, 7th Volum,(Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1992). [In Persia]

Goldouzian, Iraj and Ahmadzadeh, Abolfazl; " Examining the definition of the crime of war and corruption in jurisprudence and law with an approach to the proposed bill of the Islamic Penal Code", Journal of Law, Volume 39, Number 1(2009). [In Persia]

Mirmohammad Sadeghi, Hossein; Offences Against General Interest of the State", (Tehran, Mizan Legal Foundation, 2020). [In Persia]

Writers, Treasury of judicial inquiries (software),(Qom, Judicial Jurisprudence Research Center, 2006).

HASHEMI, Seyed Mahmoud "Who is the Mohareb? And what is Moharebeh? (A discussion on understanding the issue of the Islamic punishment of Mohareb)", Journal of Ahl al-Bayt jurisprudence, Issue ۱۱ [۱۲ (۱۹۹۷)]. [۱۱ ۱۲ (۱۹۹۷)].



#استناد به این مقاله: نظام الملکی، جعفر. (۱۴۰۳). تحلیل و آسیب‌شناسی ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و راهکارهای تفسیری و اصلاحی آن. پژوهش حقوق کیفری، (۴۶) ۱۲، ۱-۳۴.

Doi: 10.22054/jclr.2024.73464.2577



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.